Word	ترجمه فارسی	Word	ترجمه فارسی	Word	ترجمه فارسی
Father	پدر	Grandfather	پدربزرگ	uncle	دایی /عمو
mother	مادر	Grandpa	پدربزرگ	aunt	خاله / عمه
Dad/Dady	بابا	Great-grandfather	پدرِ پدربزرگ یا مادربزرگ	nephew	برادرزاده/ خواهر زاده پسر
Mom/Mum/Mummy	مامان	Grandmother	مادربزرگ	niece	برادرزاده/ خواهر زاده دختر
Parent	والد	Grandma	مادربزرگ	cousin	پسرعمو/پسردایی/ دخترخاله و....
Parents	والدین (پدر و مادر)	Great-grandmother	مادرِ پدربزرگ یا مادربزرگ	First cousin	پسر عمو/ دختر خاله و ... درجه یک
Child	بچه	Grandparent	پدربزرگ یا مادربزرگ	Second cousin	فرزند پسرعمو/ دختر خاله و ...
Children	بچه ها	Grandparents	پدربزرگ و مادربزرگ	Husband	شوهر
Daughter	دختر	Great-grandparents	اجداد یک نسل بالاتر	Wife	همسر (زن)
Son	پسر	Grandson	نوه پسر	Spouse	همسر
Sister	خواهر	Granddaughter	نوه دختر	Father-in-law	پدرشوهر/ پدرزن
Brother	برادر	Grandchild	نوه	Mother-in-law	مادرشوهر/ مادرزن
Sibling	خواهر یا برادر	Grandchildren	نوه ها	Son-in-law	داماد
Siblings	خواهرها یا برادرها	Great-grandson	نتیجه (فرزند نوه پسر)	Daughter-in-law	عروس
Relative	فامیل/ خویشاوند	Great-granddaughter	نتیجه (فرزند نوه دختر)	Brother-in-law	برادرزن/برادرشوهر/شوهرخواهر
Relatives	خویشاوندان	Ancestor	نیا/جد	Sister-in-law	خواهر زن/خواهرشوه/زن برادر